



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## آموزش مهارت های و فردی و اجتماعی در مدارس

محبوبه کریمی پور

دانش آموخته کارشناسی روانشناسی عمومی دانشگاه پیام نور رابر

### چکیده

موضوع اصلی این مقاله علت رشد و رشد مهارت های فردی و اجتماعی در فرآیند یاددهی و یادگیری در آموزش رسمی با استفاده از یک سری فنون تدریس است. تحولات رایج و عمیق فردی و اجتماعی و سیاسی زمینه های جدیدی را برای سازگاری فردی و اجتماعی و سیاسی انسان ایجاد می کند. به عنوان بخشی از این بافت فردی و اجتماعی، مدرسه به طور قاطع تحت تأثیر همه این تغییرات است. با این حال، مدرسه به عنوان یکی از نهادهای مسلط برای فردی و اجتماعی شدن یک جوان و با هدف رشد چندوجهی او، باید او را آماده کند تا بتواند تعامل فردی و اجتماعی و عوامل سازگاری خود را مدیریت کند و به او در سازگاری و شهروندی فعال کمک کند. زمینه فردی و اجتماعی آینده این مقاله با هدف توسعه و رشد مهارت های فردی و اجتماعی دانش آموزان امروز و شهروندان فردا، تلاش می کند تا با ارائه یک سرمایه اضافی به معلمان، به این تلاش کمک کند.

**کلیدواژه:** مهارت های فردی و اجتماعی، مهارت های فردی، آموزش، آموزش رسمی



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## مقدمه

توسعه جوامع مدرن داده های سازگاری فردی و اجتماعی جدیدی را برای یک فرد به عنوان عضو و شهروند جهانی فراهم می کند که به طور مداوم تغییر می کند. در عین حال، خاطرنشان می شود که ما با استفاده نامحدود و کنترل نشده از فناوری رسانه های جدید و امکانات ارائه شده توسط رسانه های فردی و اجتماعی (ایمیل، فیس بوک، اینستاگرام) (کریستاکیس) ماهیت ارتباط را از طریق روابط بین فردی و تعامل شخصی از دست می دهیم. ، فاولر، ۲۰۱۰). بنابراین، یک سؤال منطقی مطرح می شود: چرا «مشترک» اینقدر «فردی» شد و در نهایت، زمینه، جوهر و محتوای ارتباط چیست؟ (کارول و کرک پاتریک، ۲۰۱۱).

این تحولات تأثیر مهم و تعیین کننده ای بر مدرسه که یک آفرینش فردی و اجتماعی است می گذارد. با این حال، در عین حال، مدرسه به عنوان یک نهاد فردی و اجتماعی شدن برای افراد جوان، دانش آموزان خود را برای رشد شخصیتی چند وجهی هدف قرار می دهد تا آنها بتوانند سازگاری فردی و اجتماعی و مسائل تعاملی خود را مدیریت کنند و از سوی دیگر، خود را با آنها وفق دهند. داده های جامعه مدرن و فعال تر به عنوان شهروندان آینده است. با در نظر گرفتن این دیدگاه، معلم از طریق نقش و کار خود، موظف است نظریه را به صورت «تأملی» و متفکرانه به عمل تبدیل کند، شرایط فردی و اجتماعی جدید را در کلاس مدیریت کند و به سازگاری و تقویت شخصیت هر دانش آموز کمک کند (Zeicner & Liston). پارسکوا و پاپاگیانی، ۲۰۰۸، به منظور دستیابی به تنظیم فرآیند تدریس (خودتنظیمی) و توانایی خودتعیین کننده (خودتعیین کننده)، از طریق تعامل و ارتباط با سایر شرکت کنندگان در داخل. میدان عمل دانش آموز، به دنبال راه های کسب دانش است (دیو، ۲۰۰۰). به ویژه، دانش آموز در بستر مدرسه دانش کسب می کند، تفکر انتقادی، خلاقیت، انگیزه های یادگیری، اعتماد به نفس خود را توسعه می دهد. در عین حال، او یاد می گیرد که با ارزیابی و استراتژی های کاربرد دانش در موقعیت های حاصله و در ارتباط با افراد دیگر آشنا باشد (مک نیل، ۲۰۰۹).

جو مدرسه به عنوان تعیین کننده ترین شرط برای دستیابی به همه موارد فوق ظاهر می شود: شامل ارتباط مؤثر و توسعه یک رابطه بین فردی بین معلم و دانش آموز است. در چشم انداز یک جو مدرسه خوب، مناسب ترین شرایط برای ایجاد دانش به عنوان یک مفهوم و بعد گسترده تر پیکربندی شده است (Fykaris, ۲۰۱۴). رشد هوش هیجانی به عنوان مهم ترین عامل برای برقراری روابط ارتباطی خوب بین معلم و دانش آموز و بین همسالان ظاهر می شود، واقعیتی که به فرآیند یادگیری کمک می کند. عناصر کلیدی برای هوش هیجانی عبارتند از خودآگاهی، خودکنترلی، انگیزه، همدلی و مهارت های فردی و اجتماعی که می توانند در آموزش



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

رسمی آموزش داده شوند (گلمن، ۲۰۱۱). بر اساس نظریه هوش های چندگانه (موسیقی-ریتمیک، دیداری-فضایی، کلامی-زبانی، منطقی-ریاضی، جسمی- حرکتی، بین فردی، درون فردی و طبیعت گرایانه) (گاردنر، ۱۹۸۳؛ گاردنر، ۲۰۰۰)، کودک دانش کسب می کند، رشد می کند. مهارت ها، رشد می کند و تفکر انتقادی و خلاق را نه تنها در چارچوب آموزش رسمی، بلکه از طریق یادگیری تجربی تقویت می کند (کلب، ۱۹۸۴؛ دیوی، ۱۹۳۸، ۱۹۸۰؛ باکیرتزیس، ۲۰۰۰؛ تریلیرا و آناگنوستوپولوس، ۲۰۰۸).

همه این موضوعات را می توان آموزش داد، بنابراین می توان آموخت. علاقه این مطالعه، یعنی رشد مهارت های فردی و اجتماعی را می توان از طریق ارتباط متقابل و متقابل بین ویژگی های کودک و محیط فردی و اجتماعی آن به دست آورد. در پیش زمینه، خانواده نقش فعالی در یادگیری قواعد رفتار و تعامل دارد. متعاقباً، گروه های همسالان راه های فردی و اجتماعی شدن کودک را در مرحله اول وابستگی غیرمستقیم خانواده تقویت می کنند (کریدیس، ۱۹۹۶؛ نیکلاس، ۲۰۰۹). به طور خاص، تعاملات مثبت با همسالان به کودکان کمک می کند تا روابط بین فردی، مهارت های ارتباطی، درک عاطفی و مدیریت هیجانی (مانند کنترل رفتار پرخاشگرانه) را توسعه دهند. در مقابل، کودکان و نوجوانان با تعاملات مثبت محدود اغلب با طرد و به حاشیه رانده شدن توسط همسالان خود مواجه می شوند، پدیده ای که بر مهارت های فردی و اجتماعی و عملکرد مدرسه آنها تأثیر می گذارد (Rubin et al., ۱۹۹۲; Asher, Oden & Gottman, ۲۰۰۶: ۸۱-۱۰۳). فرایند اجتماعی شدن به رشد توانایی ارتباطی کودکان، مدیریت هیجانات و تنظیم رفتار آنها که به عنوان مهارت های اجتماعی در نظر گرفته می شود، کمک می کند. مهارت های فردی و اجتماعی برای سازگاری فردی و اجتماعی در دوران کودکی و نوجوانی بسیار مهم تلقی می شود. مطالعات مرتبط نشان می دهد که کودکانی که مهارت های فردی و اجتماعی دارند، می توانند روابط بین فردی خود را بهتر مدیریت کنند، تصویر بهتری از خود داشته باشند و در برابر چالش ها مقاوم تر شوند. در نتیجه، کودکان ترسو با عزت نفس پایین می توانند از طریق رشد مهارت های فردی و اجتماعی برون گرا شوند. همچنین کودکان دارای رفتار پرخاشگرانه می توانند خودکنترلی را به دست آورند (شاپیرو، ۲۰۰۴). بنابراین، یادگیری مهارت های فردی و اجتماعی توسط کودکان، سکوی پرشی مهمی برای رشد فردی و اجتماعی آینده آنهاست که در زمینه های مختلف زندگی فوایدی دارد. به همین دلیل است که مدرسه به طور عام و به طور خاص، فرایند تدریس باید به دنبال سازماندهی و اجرای اقداماتی باشد که باعث رشد مهارت های فردی و اجتماعی کودکان با دیدگاه ایجاد شخصیت های یکپارچه و شایسته فردی و اجتماعی شود (شاپیرو، ۲۰۰۴).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## ۱. تبیین مفاهیم

واژه‌های «ظرفیت‌ها» و «مهارت‌ها» اغلب در فرآیند یادگیری استفاده می‌شوند و مفاهیم متفاوتی دارند. اصطلاح «ظرفیت‌ها» (ویژگی‌های شخصی) به مقداری از پتانسیل تجربی اشاره دارد که شخصیت فرد را تشکیل می‌دهد. ظرفیت سازی هم بر اساس قابلیت های فردی (عوامل ارثی) و هم بر محیط فردی و اجتماعی و محرک آن استوار است. تعامل پویا بین این دو عامل باعث ایجاد قابلیت ها می شود (گیلیس و باتلر، ۲۰۰۷).

از نظر گولمن (۲۰۰۰)، قابلیت‌های فردی و اجتماعی شامل توانایی‌های ارتباط، همکاری و کار تیمی، رسیدگی به اختلافات و مذاکرات مؤثر، سازماندهی و اجرای مؤثر اقدامات، توانایی یادگیری نحوه یادگیری است. قابلیت های فردی و اجتماعی که یک شهروند اروپایی باید در جامعه دانش توسعه دهد توسط نشست شورای اروپا در لیسبون و سانتا ماریا دا فیرا (۲۰۰۰) تعیین شده است: ارتباط مؤثر، کار تیمی، مدیریت اختلاف، پذیرش تغییرات و تحولات مداوم. انعطاف پذیری و سازگاری، اتخاذ ابتکارات و خطرات (Wahlster, ۲۰۱۱; Kully-Martenset. al. ۲۰۱۲). اصطلاح "مهارت ها" نحوه انجام یک سری اقدامات را از نظر سرعت، دقت و کارایی مشخص می کند. مهارت ها به اجرای پویا یک فعالیت اشاره دارند و به ظرفیت های عملکردی که بیان و تحقق آن هستند کمک می کنند. مهارت ها توسط یک فرد با آموزش، تلاش سیستماتیک و تمرین در آموزش رسمی به دست می آید، اما آنها همچنین در آموزش غیر رسمی از طریق یادگیری تجربی و درگیری با رویدادها و موقعیت ها به دست می آیند (Schneider & Byrne, ۲۰۰۵; Romanczyk, White & Gillis).

در مورد مهارت، تعاریف متعددی در ادبیات قابل شناسایی است. با این حال، تعریف ریپس، سینگر و ون نورد بسیار قابل قبول است (۱۹۸۹): " [مهارت ها] مقدار اطلاعات و تکنیک های تجربه قبلی در پرداختن به مشکلات یا موقعیت های جدید است. این اساساً درجه تداوم عملیات ذهنی است. سهولت، دقت و سرعت عملکردی که برای حل و فصل موقعیت‌های حاصل استفاده می‌شود، اما برای دستیابی به عملکرد این تعریف، هم شناسایی و تجزیه و تحلیل ساختارهای اساسی وضعیت موجود و هم شفاف‌سازی روابط متمایز بین تجربه گذشته و حال مورد نیاز است. «مهارت‌های فردی و اجتماعی» را می‌توان با تقلید از نگرش‌ها و رفتارهای والدین به راحتی به دست آورد، اما می‌توان آن‌ها را از طریق آموزش رسمی و سازمان‌یافته آموزش داد عوامل کنترلی (Brandhorst, ۱۹۹۰: ۲۶۶۵-۲۶۶۶) مهارت های ارتباطی، حل مسئله ۱، تصمیم گیری، مدیریت احساسات و توسعه روابط برابر که به کسی اجازه



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

می دهد تا روابط فردی و اجتماعی مثبتی را با دیگران شروع کند و حفظ کند، در زمینه وسیع تری ادغام می شود. "مهارت های فردی و اجتماعی" (مک اینتایر، ۲۰۰۶). رشد مهارت های فردی و اجتماعی مستلزم رشد سه عنصر اساسی شخصیت است: مشاهده، تفکر و رفتار. مشاهده به درک موقعیت فردی و اجتماعی کمک می کند. فرد ابتدا باید نوع موقعیت فردی و اجتماعی را تشخیص دهد. از طریق مشاهده می فهمد که افراد دیگر در موقعیت های مشابه چگونه رفتار می کنند و این کار کردها به عنوان یک الگوی نمونه عمل می کند. بنابراین، فرد رفتار خود را با توجه به موقعیت درگیر تطبیق می دهد (مک اینتایر، ۲۰۰۶). تفکر به تفسیر و درک رفتار افراد دیگر کمک می کند. رفتار به عنوان عنصر سوم و اساسی به تعامل با افراد دیگر مربوط می شود. در حالی که کودکان اغلب می دانند که چگونه باید در یک موقعیت فردی و اجتماعی رفتار کنند، آنها در ایجاد رفتار مناسب با مشکلاتی مواجه می شوند یا به طور تکانشی واکنش نشان می دهند و کنترل اعمال خود را از دست می دهند (مک اینتایر، ۲۰۰۶).

## ۲. رشد مهارت های فردی و اجتماعی در مدرسه

با توجه به مدرسه به عنوان یک نهاد و به ویژه در چارچوب فرآیند تدریس، معلمان و دانش آموزان در شرایط خاص و تحت شرایط و ضوابط خاص با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند و با یکدیگر ارتباط برقرار می کنند. این درست است، زیرا یادگیری یک محصول ارتباطی است. "مهارت های فردی و اجتماعی" بخشی از فرآیند آموزش و یادگیری هستند زیرا آنها بخش های کلیدی رشد فرد را نشان می دهند و با محرک های محیطی مناسب رشد می کنند (وردردر و وردردر، ۲۰۰۶). یک رابطه ارتباطی خوب بین معلم و دانش آموز به تسهیل رشد مهارت های فردی و اجتماعی کمک می کند. مشخص شده است که روابط خوب بین معلم و دانش آموز با سطوح بالای همکاری، ظرفیت های فردی و اجتماعی و مهارت های یادگیری همراه است (ریم-کافمن و همکاران ۲۰۰۵: ۳۷۷-۳۹۴).

بر این اساس، مدرسه و کلاس، محیط فرهنگی و فردی و اجتماعی خاصی را تشکیل می دهد که در آن موقعیت ها، روابط، انتظارات و فشارهای فردی و اجتماعی پدید می آید که به دلیل ویژگی های فردی و خانوادگی خاص هر دانش آموز، به شکل گیری فرصت های یادگیری متفاوت بین دانش آموزان کمک می کند. رویکرد به این تنوع ها عمدتاً از همبستگی بین نتایج آموزشی و پیشینه فردی و اجتماعی دانش آموزان ناشی می شود (Michalakopoulos, ۱۹۹۰). بنابراین، مدیریت منعطف و عملکرد در کار معلم، همراه با روحیه پذیرش، روحیه درک و تلاش برای ایجاد روابط مثبت با تمام تیم دانش آموز و جامعه، از طریق فرآیندهای تعامل عملکردی بسیار مهم است. با این حال، مهم ترین تعامل هم وسیله ای برای توسعه و هم مزیت مهارت های فردی و اجتماعی است.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در دستیابی به این هدف مهم ترین نقش هم به مدرسه و هم خانواده تعلق دارد. خانواده، به عنوان زمینه اولیه برای رشد روابط فردی و اجتماعی، پایه های یادگیری فردی و اجتماعی کودک را می گذارد، در حالی که مدرسه زمینه تعامل اضافی را فراهم می کند (کریدیس، ۱۹۹۶؛ نیکولائو، ۲۰۰۹). به همین دلیل، رشد مهارت های فردی و اجتماعی در محیط مدرسه ضروری است که به طور منظم و منظم اتفاق بیفتد، زیرا کودکان ممکن است غالباً فاقد الگوها و روابط خانوادگی باشند، بنابراین در رشد روابط خود در خارج از خانواده با مشکل مواجه می شوند. فقدان مهارت های فردی و اجتماعی می تواند کودک را در انزوا، شکست مدرسه یا رفتار بزهکارانه سوق دهد (اشر، اودن و گاتمن، ۱۹۹۲: ۱۳۶-۱۵۷).

میزان کسب و استفاده از مهارت های فردی و اجتماعی، میزان شایستگی و سازگاری فردی و اجتماعی فرد را تعیین می کند. به گفته مک کورمیک، لوب و شیفلبوش (۱۹۹۷) توسعه "مهارت های فردی و اجتماعی" دقیقاً از این رویه پیروی می کند: در ابتدا، فرد در مورد عبارات خود (بیان) قابل درک می شود. سپس، فرد یاد می گیرد که سایر اعضای را که با آنها معاشرت می کند (باز بودن) بشنود و مشاهده کند. در مرحله بعد، فرد نسبت به محرک هایی که هم از پذیرش انتقاد اعمال شده از او و هم از تقابل دیدگاه هایش در مورد مواضع با دیگران دریافت می کند، پذیراتر و بازتر به نظر می رسد. سپس برای دستیابی به توسعه روابط با اعضای گروه خود، اقدامات آن را با اقدامات افراد دیگر در یک گروه (همکاری) هماهنگ می کند (مدولاسیون). در نهایت فرد خلاقانه با موقعیت ها و شرایط فردی و اجتماعی مختلف سازگار می شود (انطباق). با پیشرفت مراحل فوق، کودکان/دانش آموزان مهارت های فردی و اجتماعی اساسی را عمدتاً از طریق بازی، که شکل اولیه تعامل بین آنهاست، کسب کرده و رشد می دهند. کودکان به تدریج آگاهانه ترین رفتارهای نوع دوستانه را با رشد توانایی تشخیص و پذیرش نیازهای کودکان دیگر به دست می آورند. در این راستا، نقش بسیار مهمی به شکل نظم و انضباط اعمال شده توسط خانواده و مدرسه، همراه با روابط بین والدین و بین فرزندان و معلمان است.

به گفته یوگف و رونن (۱۹۹۹: ۲۶۱-۲۶۸)، در تلاش کلی برای توسعه و رشد "مهارت های فردی و اجتماعی" در فرآیند یادگیری، طیف وسیعی از تکنیک های تدریس و فردی و اجتماعی سازی کمک می کند که عبارتند از:

- استفاده از روش های یادگیری تجربی و تعاملی. و ارتباطات مانند: مطالعات میدانی، ایفای نقش، شبیه سازی.
- مشارکت دانش آموزان در گروه های کاری کوچک.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- اشکال یادگیری مشارکتی (یادگیری مشارکتی) که با معیارهای مختلف سازماندهی می شوند.
- برنامه های یادگیری بین نسلی (برنامه های بین سنی) و فرآیند یادگیری همتایان (تدریس همتا).

## ۳. توسعه و رشد مهارت های فردی و اجتماعی در فرآیند آموزش و یادگیری

به نظر می رسد آموزش مهارت های فردی و اجتماعی زمانی که در گروه های کاری کوچک سازماندهی می شود و امکان مشاهده همدیگر وجود دارد، به طور دقیق تری به اهداف او می رسد. آموزش گروهی نتایج مثبتی به همراه دارد زیرا دانش آموزان می توانند همکاری، ایجاد احساس مسئولیت و در نتیجه ایجاد آگاهی فردی و اجتماعی را بیاموزند.

تلاش مشترک دانش آموزان برای دستیابی به این هدف، پیوندهای عاطفی قوی بین آنها ایجاد می کند، در حالی که به طور همزمان وابستگی متقابل، درک متقابل و همراهی را افزایش می دهد (Trilianos, ۲۰۰۸; Matsagouras, ۲۰۰۰). به گفته شاپیرو (۲۰۰۴)، ارتباط موثر پیش شرط اساسی کسب مهارت های فردی و اجتماعی است. این بدان معنی است که معلم (فرستنده) پیام را به وضوح منتقل می کند و آن را با سطح ذهنی و زبانی دانش آموزان (گیرنده) تطبیق می دهد و همچنین به پیام های خود حس شخصی می بخشد. از سوی دیگر، دانش آموزان (دریافت کنندگان) باید بتوانند این پیام را رمزگشایی کنند، به دنبال توضیح باشند و البته بخواهند آن را بپذیرند. معلم باید در ابتدا از فعالیت هایی استفاده کند که به دانش آموزانش در یادگیری برقراری ارتباط کمک کند. ضروری است دانش آموزان یاد بگیرند که درک کنند و خود را بیان کنند تا افکار و اصول اولیه خود را - حتی مشکلاتشان - منتقل کنند و از طریق آنها پذیرش خود، عزت نفس و اعتماد به نفس را افزایش دهند. در مرحله بعد، دانش آموزان مهارت های مربوط به برقراری ارتباط با همسالان را کسب می کنند. اغلب مشاهده می شود که برخی از دانش آموزان سعی می کنند توجه دیگران را به گونه ای جلب کنند که ممکن است منجر به طرد شدن توسط گروه شود. دانش آموزان دیگر فقط می توانند گروه را مشاهده کنند، که در نتیجه توسط سایر اعضا نادیده گرفته می شود. بنابراین، آنها باید یاد بگیرند که چگونه خود را درگیر کنند، چگونه گفتگوی شخصی با یک همکلاسی ایجاد کنند و سپس چگونه ارتباط خود را با سایر افراد گروه حفظ کنند. سپس، یادگیری استفاده صحیح از ارتباطات غیرکلامی است. برخی از کودکان به طور شهودی می دانند که چگونه احساسات خود را به روش های ارتباط غیرکلامی منتقل کنند و چگونه احساسات دیگران را بخوانند. سایر کودکان برای برقراری ارتباط غیرکلامی بسیار ضعیف



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

هستند، با کمبودهای جدی در عناصر بیانی و دریافتی زبان غیرکلامی. این کودکان حتی برای یک ناظر معمولی ممکن است ناکافی یا عجیب به نظر برسند. به همین دلیل است که باید به آنها کمک کرد تا ارتباطات غیرکلامی را درک کنند (شاپیرو، ۲۰۰۴). حل خلاقانه مسئله نتیجه رشد مهارت های فردی و اجتماعی است. بسیاری از کودکان در حمایت از حقوق خود با ابزارهای مناسب با مشکل مواجه می شوند، به ویژه زمانی که عزت نفس و اعتماد به نفس پایینی از خود نشان می دهند، ترسو هستند یا به ویژه در برابر آزار و اذیت آسیب پذیر هستند. از سوی دیگر، کودکان پرخاشگر ممکن است متوجه نباشند که راه های مختلفی برای رفع نیازهای آنها وجود دارد و باید نیازها و خواسته های دیگران را در نظر بگیرند. توانایی یک فرد برای ادعای احترام و ادب، مهارتی است که برای رشد شخصیت هر کودک اهمیت زیادی دارد. احساس قدرت شخصی و نگرش مثبت، حتی زمانی که کودک با مشکلاتی روبرو می شود، عناصر کلیدی برای ایجاد اعتماد به نفس است که نیاز به مهارت های متفاوت در موقعیت های مختلف دارد. کودکان باید بیاموزند که حقوقی دارند و همچنین باید حقوق دیگران را رعایت کنند و از آنها محافظت کنند.

تلاش مشترک دانش آموزان برای دستیابی به این هدف، پیوندهای عاطفی قوی بین آنها ایجاد می کند، در حالی که به طور همزمان وابستگی متقابل، درک متقابل و همراهی را افزایش می دهد (Matsagouras, ۲۰۰۰; Trilianos, ۲۰۰۸). به گفته شاپیرو (۲۰۰۴)، ارتباط موثر پیش شرط اساسی کسب مهارت های فردی و اجتماعی است. این بدان معنی است که معلم (فرستنده) پیام را به وضوح منتقل می کند و آن را با سطح ذهنی و زبانی دانش آموزان (گیرنده) تطبیق می دهد و همچنین به پیام های خود حس شخصی می بخشد. از سوی دیگر، دانش آموزان (دریافت کنندگان) باید بتوانند این پیام را رمزگشایی کنند، به دنبال توضیح باشند و البته بخواهند آن را بپذیرند. معلم باید در ابتدا از فعالیت هایی استفاده کند که به دانش آموزانش در یادگیری برقراری ارتباط کمک کند. ضروری است دانش آموزان یاد بگیرند که درک کنند و خود را بیان کنند تا افکار و اصول اولیه خود را - حتی مشکلاتشان - منتقل کنند و از طریق آنها پذیرش خود، عزت نفس و اعتماد به نفس را افزایش دهند. در مرحله بعد، دانش آموزان مهارت های مربوط به برقراری ارتباط با همسالان را کسب می کنند. اغلب مشاهده می شود که برخی از دانش آموزان سعی می کنند توجه دیگران را به گونه ای جلب کنند که ممکن است منجر به طرد شدن توسط گروه شود. دانش آموزان دیگر فقط می توانند گروه را مشاهده کنند، که در نتیجه توسط سایر اعضا نادیده گرفته می شود. بنابراین، آنها باید یاد بگیرند که چگونه خود را درگیر کنند، چگونه گفتگوی شخصی با یک همکلاسی ایجاد کنند و سپس چگونه ارتباط خود را با سایر افراد گروه حفظ کنند. سپس، یادگیری





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

استفاده صحیح از ارتباطات غیرکلامی است. برخی از کودکان به طور شهودی می‌دانند که چگونه احساسات خود را به روش‌های ارتباط غیرکلامی منتقل کنند و چگونه احساسات دیگران را بخوانند. سایر کودکان برای برقراری ارتباط غیرکلامی بسیار ضعیف هستند، با کمبودهای جدی در عناصر بیانی و دریافتی زبان غیرکلامی. این کودکان حتی برای یک ناظر معمولی ممکن است ناکافی یا عجیب به نظر برسند. به همین دلیل است که باید به آنها کمک کرد تا ارتباطات غیرکلامی را درک کنند (شاپیرو، ۲۰۰۴). حل خلاقانه مسئله نتیجه رشد مهارت‌های فردی و اجتماعی است. بسیاری از کودکان در حمایت از حقوق خود با ابزارهای مناسب با مشکل مواجه می‌شوند، به ویژه زمانی که عزت نفس و اعتماد به نفس پایینی از خود نشان می‌دهند، ترسو هستند یا به ویژه در برابر آزار و اذیت آسیب پذیر هستند. از سوی دیگر، کودکان پرخاشگر ممکن است متوجه نباشند که راه‌های مختلفی برای رفع نیازهای آنها وجود دارد و باید نیازها و خواسته‌های دیگران را در نظر بگیرند. توانایی یک فرد برای ادعای احترام و ادب، مهارتی است که برای رشد شخصیت هر کودک اهمیت زیادی دارد. احساس قدرت شخصی و نگرش مثبت، حتی زمانی که کودک با مشکلاتی روبرو می‌شود، عناصر کلیدی برای ایجاد اعتماد به نفس است که نیاز به مهارت‌های متفاوت در موقعیت‌های مختلف دارد. کودکان باید بیاموزند که حقوقی دارند و همچنین باید حقوق دیگران را رعایت کنند و از آنها محافظت کنند.

۴. تکنیک‌ها و فعالیت‌ها برای توسعه و رشد مهارت‌های فردی و اجتماعی در فرآیندهای یاددهی و یادگیری

تکنیک اصلی آموزشی که برای یادگیری «مهارت‌های فردی و اجتماعی» استفاده می‌شود، «نقش‌بازی» است که امکان محدودیت استرس را فراهم می‌کند و امکان بروز رفتار تأییدی را فراهم می‌کند. به گفته استفانوداکیس (۱۹۹۱: ۴۲۳۸-۴۲۳۹) مفهوم نقش به نظریه سایکودرام مرتبط است، که برای اولین بار مورنو را در سال ۱۹۲۳ در تلاش برای توضیح پدیده‌ها و فرآیندهای ذهنی که در روان‌درام رخ می‌دهد، توسعه داد. در تکامل، میدان مفهوم را از نظر روانشناسی فردی و اجتماعی توسعه داد و آن را به عامل کلیدی رفتار فرد تبدیل کرد. به خصوص در روان‌درام، نقش‌ها در موقعیت‌هایی شبیه به واقعیت، ابداع، بداهه‌سازی و بیرونی‌سازی می‌شوند، جایی که از فرد خواسته می‌شود به همان اندازه که می‌تواند خودش را بهتر بازنمایی کند، برخلاف نقش تئاتری، جایی که بازیگر خسته می‌شود تا نقشی را ایفا کند و فقط از کسی تقلید می‌کند. (Stefanoudakis, ۱۹۹۱: ۴۲۳۸-۴۲۳۹; Avdi & Hadjigeorgiou, ۲۰۰۷). "نقش‌بازی" به کاتارسیس کمک می‌کند و جهت‌گیری فردی و اجتماعی-شناختی بیشتری دارد. این یادگیری با انجام دادن است، عملی که شناخت واقعی نقش‌های فردی و اجتماعی توسط دانش‌آموزان را نشان می‌دهد. من



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

شبیه‌سازی شخصیت واقعیت فردی و اجتماعی را می‌گیرم و بنابراین، با روان‌درام که جهت‌گیری آن درمانی است، متفاوت است (Avdi & Hadjigeorgiou, ۲۰۰۷). از طریق «نقش‌بازی» دانش‌آموزان به کشف چگونگی حل مشکلات زندگی روزمره، با شناخت بهتر خود و واقعیت فردی و اجتماعی هدایت می‌شوند. به طور خاص، نمایشی شدن موقعیت واقعی زندگی منجر به بروز اختلافات و درگیری‌ها، بیان نظرات و احساسات و همچنین تلاش برای حل تضادها و تعارض‌ها می‌شود (Avdi & Hadjigeorgiou, ۲۰۰۷). آنچه توسط دانش‌آموزان درک می‌شود این است که تضادها و تعارض‌ها زمانی قابل حل است که نیازهای اساسی خود را درک کرده و به اندازه کافی ارزیابی کنند: تلاش برای ارضای همه اینها در نهایت منجر به تعارض می‌شود (کاتز و چارد، ۱۹۹۸). در «نقش‌بازی»، هدف بر بازی دانش‌آموز متمرکز نیست، یعنی در رفتار او، بیشتر شبیه بازیگری است که رفتار شخص دیگری را به‌طور واقع‌بینانه نشان می‌دهد. به جای این کار، از دانش‌آموزان خواسته می‌شود تا به گونه‌ای رفتار کنند که پیامدها حکم می‌کند تا از طریق تعامل تجربی، به دنبال راه‌هایی برای حل تضادها و تضادها همراه با درک رفتارها، اعمال و فعالیت‌ها باشند.

اساساً شرط دستیابی به همدلی به عنوان نقش فردی و اجتماعی افراد بازیگر است که به درک خود و درک توانایی‌های بالقوه او منجر می‌شود (کاتز و چارد، ۱۹۹۸). همچنین در «نقش‌بازی» مهارت‌های نمایشی مورد توجه نیست. آنچه مهم‌تر است ایجاد زمینه‌های لازم است تا دانش‌آموز تجربه موقعیتی را که فعالانه درگیر آن است، درک کند. از طریق این فرآیند، دانش‌آموز پیچیدگی مشکلات را درک می‌کند، درگیری‌ها و تقابل‌های بین گروه‌های فردی و اجتماعی مختلف را از هم تشخیص می‌دهد، در می‌یابد که یافتن راه حل همیشه آسان نیست و می‌آموزد که باید نظرات دیگران را در نظر بگیرد و مکالمه به منظور یافتن راه حل‌های قابل قبول فردی و اجتماعی (Georgopoulos & Tsaliki, ۷۵-۷۸۱۹۹۳؛ Tielemans, ۲۰۱۳).

به جز استفاده از تکنیک «نقش‌بازی»، ادبیات (راجرز، ۲۰۱۴) فعالیت‌های دیگری را شناسایی می‌کند که شامل توسعه و رشد پویا «مهارت‌های فردی و اجتماعی» در چارچوب آموزش رسمی است. با مروری بر این داده‌ها می‌توان به فعالیت‌ها اشاره کرد که با انطباق مناسب می‌توان از آنها برای رشد مهارت‌های فردی و اجتماعی استفاده کرد. چند نمونه در زیر نشان داده شده است:

بازی بدون کلام



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

معلم بخشی از فیلم صامت را نشان می‌دهد و از دانش‌آموزان می‌خواهد که معنی آن را شرح دهند. هدف کودکان این است که بفهمند می‌توانند بدون کلام ارتباط برقرار کنند.

## تطبیق احساسات و چهره‌ها

دانش‌آموزان با شروع از محرک‌های بصری (نقاشی، عروسک‌ها و...) دعوت می‌شوند تا عواطف خود و عواطف همسالان خود را ارائه و شناسایی کنند.

## احساس از طریق موسیقی

دانش‌آموزان از طریق صدای موسیقی حساس می‌شوند. سپس با گوش دادن به همان قطعه موسیقی، از آنها دعوت می‌شود تا احساسات خود را روی مقوا نقاشی کنند. منطق این فعالیت مبتنی بر اندیشه پراکسیستلس است که بر اساس آن، وقتی تکه‌ای از سنگ مرمر دارم، فرم را در نظر می‌گیرم و این اطلاعات غیر ضروری را حذف می‌کنم تا شکلی را که می‌خواهم آشکار کنم (Chisholm, ۲۵۶: ۱۹۱۱): «وقتی یک تکه سنگ مرمر، ابتدا سعی کنید خدا را تصور کنید ... سپس اضافی را از مرمر بردارید تا این که این خدا نازل شود.

## احترام گذاشتن به همتای خودم

هدف این است که به دانش‌آموزان بیاموزیم که به افکار و احساسات همسالان خود احترام بگذارند. فعالیت با این سوال آغاز می‌شود: "کلمه احترام به چه معناست؟". سپس بحثی در مورد احترامی که باید با اعمالشان در مدرسه و خانه برای آنها قائل شوند دنبال می‌شود. پس از آن، دانش‌آموزان برانگیخته می‌شوند تا کارتن درختی با شاخه‌های دراز بسازند که روی آن کلماتی را که نشان‌دهنده احترام است، ثبت کنند و از این طریق «احترام به درخت» را تشکیل دهند (شاپیرو، ۲۰۰۴).

## ارزش افراد

به دانش‌آموزان کیف‌های کوچک با ارزش کل ۵ یورو با فرقه‌های مختلف داده می‌شود. به آنها توضیح داده می‌شود که اگرچه در هر کیسه سکه‌های مختلفی - از نظر وزن، رنگ و مقدار - وجود دارد، اما در مجموع ارزش یکسانی دارند. سپس بچه‌ها انگیزه پیدا



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

می کنند که با آن پول چه چیزی بخرند و انتخاب خود را توضیح دهند. سپس مشخص می شود که کسی که آن شی را می فروشد به رنگ یا اندازه آن اهمیت نمی دهد بلکه به ارزش آن اهمیت می دهد. این فکر باید با مردم مرتبط باشد: آنها ممکن است در خصوصیات بیرونی خود متفاوت باشند اما نیازهای یکسان و ارزش یکسانی دارند. بحث زیر بر جستجوی موضوعات و شباهت های مشترک افراد متمرکز است. بنابراین، دانش آموزان متوجه می شوند که تفاوت های بین افراد آنقدر قابل توجه نیست که در روابط آنها تعارض ایجاد کند (جورجیادو، ۲۰۱۵).

## یکسان اما متفاوت

از دانش آموزان خواسته می شود که با صندلی های خود دایره ای تشکیل دهند. سپس، فقط دانشجویان شلوار جین برای تغییر موقعیت فراخوانده می شوند. اصطلاح اصلی بازی این است که هیچ کس نباید دوباره در موقعیت قبلی خود بنشینند. بازی با فراخوانی به دانش آموزان عینکی ادامه می یابد، به «همه با موهای بلوند»، «همه کسانی که از ریاضیات متنفرند»، «آنهايي که در یک مکان به دنیا آمده اند» و غیره. دستورالعمل ها ممکن است با نرخ های متفاوت ارائه شود، که تغییرات نشان دهنده تحرک و سرعت است. سپس یک صندلی از دایره جدا می شود. دانش آموزی در مرکز دایره ایستاده می ماند و سعی می کند به دیگران دستور دهد که بایستند تا بتواند جایی را بگیرد. مهم است که همه دانش آموزان نقش هماهنگ کننده را بر عهده بگیرند: بازی زمانی به پایان می رسد که همه دانش آموزان این نقش را بازی کرده باشند. سپس یک بحث گروهی بر اساس سؤالات زیر انجام می شود: ویژگی های مشترک تیم ما چیست؟ (مثلاً آل در کدام بخشنامه ایستاد؟). افراد ممکن است چه شکلی باشند؟ ویژگی های مشترک ما چیست؟ افراد چه نوع تفاوت هایی می توانند نشان دهند؟ (ویژگی های فیزیکی، زبان، سن، جنسیت و غیره).

همه تفاوت های انسانی آشکار است؟ (به عنوان مثال دیدگاه ها، احساسات و غیره). مردم چگونه با تنوع رفتار می کنند؟ (مثلاً ما را می ترساند؟ ما را عصبانی می کند؟ آیا ما تعصب داریم؟). این فعالیت با فراخوانی از هر دانش آموز به پایان می رسد تا چیزهای مشابه و متفاوتی را که مورد پسند او و همسالانش است بر روی کاغذ درست کند. بنابراین تعریف «تنوع» به شیوه دیالکتیکی وارد می شود، با توجه به اینکه تنوع، شباهت را حذف نمی کند، به معنای نابرابری نیست و مفید است، زیرا دانش و تجربیات را می افزایش دهد. هدف بر شناخت تفاوت ها و احترام به تنوع، بدون فراگیر یا تخلیه تمرکز دارد (E.P.S.Y.P.E، ۲۰۱۰).



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## درباره دیگری بیاموزید

هدف از این فعالیت این است که دانش آموزان فرآیند ایجاد رابطه را بشناسند و یکدیگر را بشناسند. یکی از اولین قدم‌ها این است که فرد دیگری را در یک زمان آشنا کنید. برگه‌ای با اطلاعات برای شخص دیگری که مایل است با او رابطه برقرار کند به آنها داده می‌شود. سپس بچه‌ها دایره‌ای می‌نشینند. از کودکی به عنوان منشی نام برده می‌شود. اولی صورتش را برمی‌گرداند و دستش را به همسایه‌اش می‌دهد و چیزی در مورد خودش می‌گوید، مثلاً. "اسم من ...". روی برگه فقط اطلاعات آن شخص را بدون نام آن شخص می‌نویسد. به نوبه خود، هر فردی همین کار را می‌کند. وقتی چرخه کامل شد، بچه‌ها با انتخاب همکلاسی‌های تصادفی، آنچه را در مورد خودشان آشکار کردند، ارائه می‌کنند. به عنوان مثال، دانش‌آموز "X" در حال تماشای "Y" می‌گوید: "اسم شما ... است و شما عاشق شکلات هستید!". تمام گزارش‌های دانش‌آموزان را می‌توان بر روی دیوار یا تابلوی اعلانات آویزان کرد تا فرصتی برای یافتن اطلاعات و افشای شخصی که اطلاعات به او مربوط می‌شود فراهم شود. پس از تمام صحبت‌های دانش‌آموزان، بحثی در گروه دنبال می‌شود تا در مورد اینکه چگونه دانش‌آموزان یکدیگر را متفاوت می‌بینند، بلکه به عنوان فردی که می‌توانند با هم صحبت کنند، کار کنند و به طور هماهنگ با هم زندگی کنند، نتیجه‌گیری شود (شاپیرو، ۲۰۰۴). در نتیجه، نشان داده شده است که مهارت‌های فردی و اجتماعی را می‌توان از طریق فعالیت‌های معین در چارچوب آموزش رسمی و در طول فرآیندهای آموزش و یادگیری توسعه داد و رشد داد. آنها طیف گسترده‌ای از گزینه‌ها را شامل می‌شوند که از ارتباط مؤثر بین معلم و دانش‌آموز شروع می‌شود. علاوه بر این، رشد آنها مناسب است تا کودکان اعتماد به نفس و خودانگاره به دست آورند که بعداً آنها را قادر می‌سازد تا با سایر اعضای جامعه خود روابط سالم شوند. بر این اساس مدرسه و به ویژه معلمان موظفند با ایجاد شرایط مساعد برای فراهم کردن فرصت‌ها، آمادگی لازم را داشته باشند تا محیط مدرسه و کلاس بتواند در جهت مشارکت همزمان، درک و بهره‌گیری از مهارت‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان کار سازنده‌ای داشته باشد. بنابراین دیدگاهی بی‌زمان و تکاملی ارائه می‌دهد.

## بحث و نتیجه‌گیری



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

به‌عنوان یک مربی، تمرکز شما بر این است که دانش‌آموزانتان استانداردهای تعیین شده را در موضوعاتی مانند تاریخ، علم و هنرهای زبانی رعایت کنند. در حالی که مهارت‌های تحصیلی قطعاً مهم هستند، درس‌های عاطفی و فردی و اجتماعی که کودکان در طول سال‌های تحصیلی خود می‌آموزند مسلماً به همان اندازه حیاتی هستند.

مطالعات مدت‌ها نشان داده‌اند که رشد مهارت‌های فردی و اجتماعی و عاطفی می‌تواند بر موفقیت و موفقیت دانش‌آموز - هم از نظر تحصیلی و هم از نظر فردی و اجتماعی - در مدرسه و بعد در زندگی تأثیر مثبت بگذارد. مطالعه‌ای که توسط محققان دانشگاه لویولا انجام شد نشان داد که یادگیری فردی و اجتماعی و عاطفی پیشرفت تحصیلی را به طور متوسط ۱۱ درصد بهبود می‌بخشد. همچنین ثابت شده است که رفتارهای فردی و اجتماعی مثبت مانند مهربانی، به اشتراک گذاری و همدلی را بهبود می‌بخشد و همچنین نگرش کودکان را نسبت به یادگیری بهبود می‌بخشد.

با این حال، آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی همیشه ساده‌ترین کار نیست. برخلاف سایر دروس دانشگاهی، کتاب درسی برای رجوع یا سرفصلی برای نمره دادن وجود ندارد. ماهیت انتزاعی مهارت‌های فردی و اجتماعی و عاطفی آن را به یک رشته منحصر به فرد برای آموزش تبدیل می‌کند، اما غیرممکن نیست - برای تفکیک مهارت‌های فردی و اجتماعی برتر و نکات ما برای آموزش آنها در کلاس درس، در ادامه بخوانید.

به همه مربیان آموزش داده نمی‌شود که چگونه به طور موثر مهارت‌های فردی و اجتماعی را در کلاس‌های درس خود آموزش دهند. اغلب معلمان از طریق انجام دادن، از طریق مربیگری با معلمان دیگر، یا پس از سالها تجربه یاد می‌گیرند. با این حال، خبر خوب این است که دوره‌های مهارت‌های فردی و اجتماعی در دسترس است که معلمان را در مورد نحوه اجرای موفقیت‌آمیز مهارت‌های بین فردی در برنامه درسی خود راهنمایی می‌کنند.

اما در این بین، در اینجا چند مرحله سریع برای شروع آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی مثبت به دانش‌آموزان وجود دارد:

یک مهارت/مهارت فردی و اجتماعی که نیاز به بهبود دارد را شناسایی کنید. شما هرگز نمی‌خواهید بیشتر از چیزی که می‌جوید گاز بگیرید، بنابراین یک یا دو مهارت فردی و اجتماعی را انتخاب کنید که دیده‌اید دانش‌آموزان دائماً با آن‌ها مبارزه می‌کنند. شما



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

همچنین می خواهید موضوعی را انتخاب کنید که به طور گسترده قابل اجرا باشد تا بتوانید به دانش آموزان بیشتری دسترسی پیدا کنید و تأثیر بیشتری بگذارید.

اهداف تعیین کنید. یک جدول زمانی برای زمانی که دوست دارید در این مهارت خاص بهبود یابد، تنظیم کنید. به تعیین معیارها در طول مسیر کمک می کند تا بتوانید پیشرفت را دنبال کنید و در صورت نیاز تنظیمات را انجام دهید.

مهارت فردی و اجتماعی را آموزش دهید. شما باید یک درس یا درس کامل در مورد مهارت فردی و اجتماعی که برای تمرکز بر روی آن انتخاب کرده اید، برنامه ریزی کنید. راه‌های زیادی برای آموزش این مهارت وجود دارد، اما یک ابزار محبوب برای آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی، روش SAFE است - متوالی، فعال، متمرکز و صریح.

مهارت را تمرین کنید. بعد از درس، مطمئن شوید که این رفتار را الگوبرداری می کنید و از راه خود برای جلب توجه به آن تلاش می کنید. همچنین فرصت‌هایی را برای دانش آموزان ایجاد کنید تا این رفتار را با همسالان خود تمرین کنند، چه در فعالیت‌های گروهی و چه با اختصاص دادن مشاغل به دانش آموزان برای کمک به تقویت مهارت.

مرور و تأمل کنید. همانطور که بعد از هر درس انجام می دهید، پیشرفت دانش آموزان را مرور کنید و تعیین کنید که چگونه می توانید در درس پیشرفت کنید. نمونه‌های خاصی از چگونگی مهارت دانش‌آموزان در مهارت‌های جدید و زمینه‌های تعامل فردی و اجتماعی که می‌توانستند از حمایت اضافی استفاده کنند، شناسایی کنید.

در حالی که اینها گام‌های اساسی برای کمک به شما در معرفی مهارت‌های فردی و اجتماعی در کلاس درس هستند، ابزارها و تکنیک‌های بسیار عمیق‌تری وجود دارد که می‌توان هنگام آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی یاد گرفت. برای مربیانی که علاقه مند به تقویت عناصر فردی و اجتماعی و عاطفی آموزش خود هستند، دوره آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی مثبت از بخش آموزش حرفه‌ای و مداوم دانشگاه سن دیگو را در نظر بگیرید. در این دوره، دانش‌آموزان در مورد آموزش و ترویج رفتارهای فردی و اجتماعی مثبت به دست خواهید آورد. و اگر به دنبال یک نمای کلی جامع‌تر از آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی هستید، گواهی آموزش شخصیت ما را بررسی کنید.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## پیشنهادات

تحقیقات و تجربه به ما گفته است که داشتن مهارت های فردی و اجتماعی برای موفقیت در زندگی ضروری است. معلمان فراگیر همیشه مهارت های فردی و اجتماعی خوب را آموزش داده، ارائه و تقویت کرده اند تا طیف وسیعی از دانش آموزان را در کلاس درس بگنجانند.

اساساً، کلاس های درس فراگیر، بازنمایی دنیای واقعی هستند که در آن افراد با هر پیشینه و توانایی در کنار هم زندگی می کنند. در واقع، مناطق مدرسه با برنامه درسی به طور خاص برای رشد فردی و اجتماعی و عاطفی وجود دارد.

در اینجا چند راه وجود دارد که از طریق آنها می توانید کلاس درس فراگیرتری ایجاد کنید و از رشد مهارت های فردی و اجتماعی در دانش آموزان خود حمایت کنید:

### ۱. الگوی رفتاری

اگر انتظار دارید دانش آموزانتان مهارت های فردی و اجتماعی خوبی را بیاموزند و از خود نشان دهند، باید الگوبرداری کنید. استقبال و نگرش مثبت معلم، لحن رفتار را بین دانش آموزان تعیین می کند. آنها یاد می گیرند که چگونه با یکدیگر تعامل داشته باشند و برای افراد ارزش قائل شوند. برای مثال، معلمانی که انتظار دارند دانش آموزان از «صداهای درونی» استفاده کنند، نباید سر کلاس فریاد بزنند تا توجه آنها را جلب کنند. به عبارت دیگر، آنچه را که موعظه می کنید، عمل کنید.

### ۲. وظایف کلاسی را تعیین کنید

واگذاری مشاغل کلاسی به دانش آموزان فرصت هایی را برای نشان دادن مسئولیت، کار گروهی و رهبری فراهم می کند. مشاغلی مانند توزیع مقالات، حضور در جلسه و رهبر بودن می تواند نقاط قوت دانش آموز را برجسته کند و به نوبه خود اعتماد به نفس ایجاد کند. همچنین به کاهش حجم کاری شما کمک می کند! معلمان اغلب مشاغل کلاس را به صورت هفتگی یا ماهانه تغییر می دهند و اطمینان حاصل می کنند که هر دانش آموز فرصتی برای مشارکت دارد.





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## ۳. موقعیت های فردی و اجتماعی ایفای نقش

همانطور که هر معلمی می داند، مهم است که نه تنها یک مفهوم یا درس را به دانش آموزان آموزش دهیم، بلکه به آنها فرصت دهیم تا آنچه را که آموخته اند تمرین کنند. برای مثال، اگر به دانش آموزان یاد می دهیم که چگونه ضرب کنند، اغلب یک کاربرگ یا فعالیت برای دانش آموزان ارائه می کنیم تا درک آنها از ضرب را به ما نشان دهیم. همین امر در مورد آموزش مهارت های فردی و اجتماعی نیز صدق می کند. ما باید فرصت هایی را برای دانش آموزان فراهم کنیم تا مهارت های فردی و اجتماعی خود را یاد بگیرند و تمرین کنند. یک روش مؤثر تمرین از طریق ایفای نقش است. معلمان می توانند سناریوهای ساختار یافته ای را ارائه دهند که در آن دانش آموزان بتوانند عمل کنند و بازخورد فوری ارائه دهند.

## ۴. دوستان قلم

سالها ترتیبی دادم که دانش آموزانم با بچه های مدرسه دیگری دوست قلم شوند. این فعالیت مورد علاقه من در سطوح مختلف تحصیلی بود. از همه مهمتر به دانش آموزان یاد داد که چگونه مهارت های فردی و اجتماعی را از طریق ارتباط نوشتاری نشان دهند. به ویژه برای شخصیت های درون گرا، نوشتن نامه به دانش آموزان فرصت داد تا افکار خود را جمع آوری کنند. زمین بازی را برای دانش آموزانی که نیازهای ویژه داشتند یا غیرکلامی بودند، مساوی کرد. من همچنین توانستم چارچوب های ساختاری جملاتی را ارائه دهم که در آن بچه ها با دوست قلمی خود گفتگوی مؤدبانه ای داشتند. راه اندازی یک برنامه دوست نویسی در کلاس درس، قبل از شروع نامه نگاری، کمی آماده می شود. شما می خواهید اطمینان حاصل کنید که دانش آموزان دستورالعمل هایی برای محتوا و ایمنی شخصی دارند.

## ۵. فعالیت های گروهی بزرگ و کوچک

علاوه بر مزایای تحصیلی، فعالیت های گروهی بزرگ و کوچک می تواند به دانش آموزان فرصتی برای توسعه مهارت های فردی و اجتماعی مانند کار گروهی، تعیین هدف و مسئولیت دهد. به دانش آموزان غالباً نقش هایی مانند گزارشگر، کاتب یا نگهدار زمان برای حفظ آنها در گروه تعیین می شود. گاه این گروه ها خودتعیین شده اند و گاه از پیش تنظیم شده اند. اگر به صورت انتخابی استفاده شود، کار گروهی می تواند به دانش آموزان ساکت تر کمک کند تا با دیگران ارتباط برقرار کنند، برون گراها را جذب کنند و رفتار



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

محترمانه را تقویت کنند. نمونه هایی از فعالیت های گروهی بزرگ عبارتند از بحث های گروهی، پروژه های گروهی و بازی ها. از فعالیت های گروهی کوچکتر می توان برای تکالیف یا فعالیت های دقیق تر استفاده کرد.

## ۶. دوستان بزرگ

ما می دانیم که یادگیری تعامل با همسالان یک مهارت فردی و اجتماعی بسیار مهم است. به همان اندازه مهم است که یاد بگیرید چگونه با دیگرانی که ممکن است جوانتر یا بزرگتر باشند، تعامل کنید. سیستم Big Buddy یک راه عالی برای دانش آموزان است تا یاد بگیرند چگونه با گروه های سنی مختلف ارتباط برقرار کنند و به آنها احترام بگذارند. اغلب یک کلاس بزرگتر برای یک پروژه هنری، زمان مطالعه یا بازی با یک کلاس جوان تر جفت می شود. باز هم، این نوع فعالیت باید از قبل برنامه ریزی شده و با دقت و با در نظر گرفتن نقاط قوت و علایق دانش آموز طراحی شود. معمولاً معلمان کلاس قبل از موعد ملاقات می کنند تا زوج هایی از دانش آموزان ایجاد کنند و یک فعالیت ساختاریافته را آماده کنند. همچنین زمانی برای معلم در نظر گرفته شده است تا دستورالعمل هایی را برای تعامل و ایده هایی برای موضوعات گفتگو تعیین کند.

## ۷. داستان های کلاس

ده ها داستان برای بچه ها وجود دارد که مهارت های فردی و اجتماعی را به روش های مستقیم یا سهوی آموزش می دهند. استراتژی هایی برای گنجاندن این داستان ها در برنامه های کلاس خود بیابید. می توانید هر روز زمانی را به خواندن یک داستان برای کل کلاس با صدای بلند اختصاص دهید یا از یک داستان برای تدریس یک درس استفاده کنید. بهتر است از کلاستان بخواهید داستان های خود را با شخصیت هایی بنویسد که ویژگی های شخصیتی خاصی را نشان می دهند.

## ۸. جلسه کلاس

جلسات کلاسی روشی شگفت انگیز برای آموزش دانش آموزان است که چگونه دیپلماتیک باشند، رهبری نشان دهند، مشکلات را حل کنند و مسئولیت پذیر باشند. آنها معمولاً به صورت هفتگی برگزار می شوند و زمانی است که دانش آموزان در مورد رویدادها و مسائل کلاس درس صحبت می کنند. جلسات موفق و سازنده شامل بحث هایی است که حول دغدغه های کلاس درس متمرکز



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

می‌شوند و نه مشکلات فردی. علاوه بر این، ارزشی را که هر فرد برای کلاس به ارمغان می‌آورد، تقویت می‌کند. قبل از جلسه کلاس، معلمان می‌توانند دستورالعمل‌های گروهی برای رفتار، تذکرات و چارچوب جملات را به دانش‌آموزان ارائه کنند تا مکالمه معنادار را تسهیل کنند.

## ۹. دستورالعمل صریح

در نهایت، معلمان می‌توانند زمانی را در برنامه درسی خود اختصاص دهند تا به طور مستقیم مهارت‌های فردی و اجتماعی را به دانش‌آموزان خود آموزش دهند. برنامه‌های مبتنی بر پژوهش مانند مرحله دوم (در پنجره‌ای جدید باز می‌شود) به معلمان و مدارس درس‌های واضحی برای توسعه فردی و اجتماعی ارائه می‌دهند. این برنامه‌ها می‌توانند زبان مشترک، مجموعه‌ای از انتظارات رفتاری و اهداف آینده را برای مدارس و کلاس‌های درس فراهم کنند.

## منابع

Asher, S., Oden S. & Gottman, J. (۱۹۹۲). «Social skills and friendship in Evolutionary Psychology Texts“ Social

Interview». In Vosniadou, S. (Ed.) (Κοινωνικές δεξιότητες και φιλία, στο: Κείμενα εξελικτικής Ψυχολογίας: Κοινωνική ανάπτυξη) Athens: Gutenberg, pp. ۱۳۶-۱۵۷.

Avdi, A. & Hadjigeorgiou M. (۲۰۰۷). The Art of Drama in Education (Η τέχνη του Δράματος στην εκπαίδευση). Athens: Metaixmio

Bakirtzis K. (۲۰۰۰). «Experiential learning experience and motivation» (Βιωματική Εμπειρία και κίνητρα μάθησης). Pedagogical Review (Παιδαγωγική Επιθεώρηση). Vol. ۳۰. Pp. ۱۴۷-۱۶۲.

Baynham M. (۲۰۱۲). Practical Literacy (Πρακτικές Γραμματισμού) Athens: Metaixmio.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

Brandhorst, A. (۱۹۹۰). "Social Skills" («Κοινωνικές δεξιότητες») (transl. Maria Terzidou). In: Pedagogical & Psychological Encyclopedia-Dictionary (Στην Παιδαγωγική & Ψυχολογική Εγκυκλοπαίδεια-Λεξικό). Vol. ۰.

Athens: Greek Letters. Pp. ۲۶۶۵-۲۶۶۶. Christakis, N. & Fowler J. H. (۲۰۱۰). Connected (Συνδεδεμένοι) Athens: Katoptro.

Dewey, J. (۱۹۳۸, ۱۹۸۰), Experience and Education (trans. L. Polenakis). Athens: Gutenberg.

Fykaris, I. (۲۰۱۴). Limits and potentials of modern teaching (Όρια και δυνατότητες της σύγχρονης διδασκαλίας).

Thessaloniki: Despoina Kyriakidi. Georgiadiou, N. (۲۰۱۵). Therapeutic Games (Θεραπευτικά παιχνίδια). Athens: Oxygono. Georgopoulos, A. & Tsaliki, E. (۱۹۹۳). Environmental Education (Περιβαλλοντική Εκπαίδευση). Athens: Gutenberg.

Goleman, D. (۲۰۱۱), Emotional Intelligence. Why EQ is more important than IQ (Η συναισθηματική νοημοσύνη. Γιατί το IQ είναι πιο σημαντικό από το EQ). Athens: Pedio.

E.P.S.Y.P.E (۲۰۱۰). Classroom Activities for the prevention of bullying and violence among students (Δραστηριότητες

στην τάξη για την πρόληψη του εκφοβισμού και της βίας μεταξύ των μαθητών). Athens: European Program DAPHNE III.

Gillis, J.M. & Butler, R.C. (۲۰۰۷). «Social skills interventions for preschoolers with Autism Spectrum Disorder: A

description of single-subject design studies». Journal of Early and Intensive Behavior Intervention. Vol. ۴. No ۳. Pp. ۵۳۲-۵۴۸.

Goleman, D. (۲۰۰۰). Emotional Intelligence in the Workplace (Η Συναισθηματική Νοημοσύνη στον Χώρο της Εργασίας), ۷th Ed. Athens: Greek Letters.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

Kyridis, A. (۱۹۹۶). A sociological approach to preschool education. (Μια κοινωνιολογική προσέγγιση της προσχολικής εκπαίδευσης). Thessaloniki: Kyriakidis Bros.

Matsagouras, El. (۲۰۰۰), Teamwork Teaching and Learning (Ομαδοσυνεργατική Διδασκαλία και Μάθηση), Athens: Grigori.

Michalakopoulos, G. (۱۹۹۰). Sociology and Education (Κοινωνιολογία και εκπαίδευση). Thessaloniki: Kyriakidis Bros.

Nikoloaou S.M. (۲۰۰۹). Theoretical Questions in Sociology of Education (Θεωρητικά ζητήματα στην κοινωνιολογία της εκπαίδευσης). Athens: Gutenberg.

Paraskeva, Φ. & Papagianni, A. (۲۰۰۸). Scientific and Pedagogical skills for Educational Members (Επιστημονικές και παιδαγωγικές δεξιότητες για τα στελέχη της εκπαίδευσης). Athens: Ministry of Education/Pedagogical Institute.

Plummer, D. (۲۰۱۶). Anger Management Games for Kids (Παιχνίδια διαχείρισης θυμού για παιδιά) Athens: Patakis.